

ترجمه زبانشناختی و تطبیق فرهنگی

سالار منافی اناری *

چکیده

ترجمه زبانشناختی اشاره به نظریه‌ای است که براساس آن عناصر زبانشناختی متن اصلی بدون تغییر اساسی و توضیح اضافی در زبان مقصد معادل یابی می‌شوند. این روش ترجمه معمولاً برای ترجمه متونی به کار می‌رود که علاوه بر معنی سبک نیز در آنها از اهمیت خاصی برخوردار است و در رساندن معنی دقیق نقش مهمی ایفا می‌کند. برخی این ترجمه را نوعی ترجمه صورت‌گرا می‌دانند که گاهی، به ویژه در جملات پیچیده، ممکن است باعث ابهام، نارسائی، و نامفهوم بودن معنی‌گردد.

در تطبیق فرهنگی که در معادل‌یابی اصطلاحات فرهنگی به کار می‌رود ترجمه تک تک واژه‌های متن اصلی مورد نظر نیست زیرا معادل فرهنگی غالباً متفاوت از معادل واژگانی است. آنچه از معنی متن اصلی در جرح و تعدیل از دست می‌رود معمولاً بیشتر از آن چیزی است که در ترجمه زبانشناختی «گم» می‌شود و یا نارسا و نامفهوم می‌ماند، و لذا ترجمه زبانشناختی، به شرط رعایت موازین و معیارهای زبان مقصد در رساندن معنی به‌طور واضح و طبیعی، می‌تواند روش بهتری برای ترجمه متون دینی، ادبی، و فنی باشد.

اصطلاحات کلیدی: ترجمه زبانشناختی، تطبیق فرهنگی، معادل فرهنگی، تعدیل

معنایی، تغییر اساسی

ترجمه انتقال معنی از «صورت» یک زبان به «صورت» زبان دیگر است و لذا هر مترجمی در کار ترجمه، به معنی واقعی کلمه، با دو زبان سرو کار دارد. کتفورد (J.C. Catford، ۱۹۶۵: ۱) ترجمه را «جایگزین کردن متنی از یک زبان با متنی در زبان دیگر» می‌داند و لذا براین عقیده است که هر نظریه‌ای در مورد ترجمه باید رویکردی به نظریه زبانشناسی عمومی داشته باشد. شاتل ورث و کاوی (M. Shuttleworth and M. Cowie، ۱۹۹۷: ۹۴) در توضیح ترجمه زبانشناختی چنین نوشته‌اند: «منظور از ترجمه زبان شناختی یا رویکرد زبانشناختی به ترجمه اشاره به نظریه‌ای است که در آن ترجمه به معنی جایگزین کردن واحدهای زبانشناختی متن اصلی با واحدهای 'معادل' در زبان مقصد بدون اشاره به عواملی از قبیل دلالت‌های ضمنی و قرینه‌ای می‌باشد». این تعریف همان‌طور که به دنبال آن توضیح داده شده است در حقیقت شبیه تعریف ترجمه تحت‌اللفظی یا ترجمه کلمه به کلمه است. امروزه چنین روشهایی در ترجمه کاربرد محدودی دارند و فقط در مواردی مانند بررسی مقابله‌ای ساخت جمله در دو زبان که هدف آموزشی دارد به کار می‌روند. البته معمولاً در ترجمه متون مقدس نیز که سبک متن اصلی در اغلب موارد غیر قابل تغییر تلقی می‌شود از همین روشهای ترجمه زبانشناختی استفاده می‌گردد. در این نوع ترجمه سعی می‌شود تا سبک متن اصلی تا آنجا که ممکن است در ترجمه حفظ شود و ترجمه‌ای ارائه گردد که «صورت» آن نزدیکترین صورت در زبان مقصد به «صورت» متن اصلی باشد. شامل ورث و کاوی (همانجا) می‌گویند: «گرچه ترجمه زبانشناختی کاربردهای خود را دارد اما از دیدگاه کاساگرانده (Casagrande، ۱۹۵۴: ۳۳۷) چنین ترجمه‌ای ممکن است منجر به نوعی ترجمه غلط بشود که می‌تواند همانند یک ترجمه کاملاً آزاد همراه کننده باشد». به طور کلی، ترجمه زبانشناختی

ترجمه‌ای است که فقط معادل‌های عناصر واژگانی موجود در متن اصلی را در بر می‌گیرد و از هرگونه توضیح عبارات بیگانه یا تعدیل‌های فرهنگی به دور است. بنابراین، می‌توان گفت که ترجمه زبانشناختی بنحوی در مقابل ترجمه فرهنگی قرار می‌گیرد که در آن برای گنجاندن معادل‌های فرهنگی در ترجمه جرح و تعدیل‌هایی در آن ایجاد می‌شود و همین باعث می‌گردد که ترجمه در مواردی از قلمرو زبانشناسی خارج و وارد قلمرو فرهنگ بشود. و چون هر زبانی عناصر فرهنگی خاص خود را دارد لذا ترجمه فرهنگی را روش مناسبی برای ترجمه متون دینی نمی‌دانند. از نظر نایدا و تیسبر (Nida and Taber، ۱۹۶۹) ترجمه زبانشناختی تنها روش درست برای ترجمه کتاب مقدس است و فقط همین نوع ترجمه است که می‌تواند نسبت به متن اصلی وفادار باشد.

ترجمه زبانشناختی و ترجمه فرهنگی

در ترجمه زبانشناختی، این عناصر زبانشناختی متن اصلی هستند که در زبان مقصد معادل‌یابی می‌شوند، در صورتیکه در ترجمه فرهنگی، مترجم به دنبال یافتن معادل‌هایی در فرهنگ زبان مقصد برای عناصر فرهنگی موجود در متن اصلی می‌باشد. در ترجمه نوع اول، سبک متن اصلی، یعنی نوع واژگان (صرف) و نحوه قرار گرفتن آنها در کنار هم (نحو)، نقش اساسی دارد و مترجم تلاش می‌کند سبک متن اصلی را تا آنجا که ممکن است در ترجمه حفظ کند، اما در ترجمه نوع دوم، یعنی ترجمه فرهنگی، حفظ سبک متن اصلی و معادل‌یابی برای تک تک کلمات آن اغلب از اهمیت چندانی برخوردار نیست. آنچه مهم است پیدا کردن برابره‌های فرهنگی، و نه برابره‌های واژگانی، برای اصطلاحات فرهنگی موجود در متن اصلی است.

در متون دینی، صرف و نحو، یعنی نوع واژگان و ترتیب قرار گرفتن آنها در جمله، از اهمیت خاصی برخوردار است، آن طور که اگر این نظم و ترتیب در ترجمه به هم ریخته شود ممکن است تحریفی در معنی به وجود آید و یا معنی موجود در متن اصلی با آن دقت مورد نظر صاحب متن در ترجمه بیان نشود. لذا در ترجمه این نوع متن، توجه به تک تک واژه‌ها و نوع و نظم آنها در جمله که همان سبک متن اصلی است بسیار مهم و ضروری است، و این همان ترجمه زبانشناختی می‌باشد. نایدا و تیسر (۱۹۶۹: ۱۳) در این مورد می‌گویند: «یک ترجمه خوب از کتاب مقدس آن نیست که «ترجمه فرهنگی» باشد، بلکه آن است که «ترجمه زبانشناختی» می‌باشد. اما این بدان معنی نیست که در ترجمه نشانه‌هایی از ساختارهای سرهم بندی شده دستوری و صورتی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، باید از وفاداری صورتی نسبت به متن اصلی که باعث ارائه متنی «ترجمه‌گونه» می‌شود به طور جدی خودداری شود زیرا نتیجه آن عدم وفاداری نسبت به محتوای پیام و بی‌توجهی نسبت به انتقال آن به مخاطب می‌گردد».

البته وقتی گفته می‌شود ترجمه زبانشناختی می‌تواند ترجمه خوبی از یک متن دینی باشد، نباید تصور شود که متون دینی خالی از عناصر فرهنگی هستند، زیرا اصطلاحات زیادی در متون دینی هم پیدا می‌شوند که بار فرهنگی دارند و لذا باید به نزدیکترین معادل فرهنگی خود ترجمه شوند. زبان و فرهنگ همیشه در حال تغییرند، بنابراین معادل فرهنگی یک اصطلاح فرهنگی هم ممکن است با گذشت زمان و با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی تغییر یابد و مفهوم تازه‌ای به خود بگیرد. نایدا و تیسر (همانجا) در این مورد اصطلاح «demon-possessed» (دیوانه) را به عنوان مثال ذکر کرده‌اند. امروزه ممکن است کسانی اصطلاح انگلیسی «mentally distressed» (پریشان ذهن) را معادل طبیعی برای این اصطلاح فرهنگی قدیمی بدانند. این معادل

اگرچه می‌تواند یک معادل طبیعی تلقی شود اما یقیناً « نزدیکترین معادل » نیست ، زیرا «mentally distressed» (پریشان ذهن) تعبیری جدید از «-demon Possessed» (دیوانه) است که آن بار فرهنگی دقیق عصر تورات و انجیل را در بر ندارد.

در ترجمه فرهنگی ، معمولاً عناصر زبانشناختی یک اصطلاح فرهنگی به طور جداگانه و مستقل از هم معادل یابی نمی‌شوند، بلکه هر اصطلاح با تمام مؤلفه‌های آن به‌طور یکجا به عنوان یک واحد ترجمه در نظر گرفته می‌شود و معادلی برای کل آن ، و نه برای تک تک واژه‌های آن ، در زبان مقصد تعیین می‌گردد . به عنوان مثال ، به معادل‌های انگلیسی یک اصطلاح فرهنگ زبان فارسی توجه کنید :

از تو حرکت ، از خدا برکت :

- a. You do your best and God will do the rest.
- b. God gives every bird its food but He does not throw it into the nest.
- c. Begin your web, and God will send you the thread.
- d. God helps those who help themselves.
- e. For a web begun God sends thread.
- f. In the asking is the receiving. (منوچهر موسوی ، ۱۳۷۹ : ۸۶).

در هیچکدام از این معادل‌های انگلیسی، برابر تک تک واژه‌های اصطلاح فارسی دیده نمی‌شود چون ترجمه فرهنگی ترجمه واژه‌ها نیست بلکه یافتن اصطلاح مشابهی در فرهنگ زبان مقصد است که از نظر معنی یا مفهوم ، و نه از نظر صورت و سبک، معادل اصطلاح مورد نظر در فرهنگ زبان مبداء می‌باشد. بنابراین ، باید گفت در ترجمه زبانشناختی توجه به تمام جنبه‌های زبانی متن اصلی از قبیل صرف، نحو ، صورت ، سبک،

و معنی ضروری است و تمام عناصر سازنده متن، چه از نظر سبک و چه از نظر معنی، باید در نظر گرفته شوند، در صورتیکه در ترجمه فرهنگی که نوعی تطبیق یا جرح و تعدیل (adaptation) می‌باشد منظور ترجمه دقیق تمام عناصر زبانی موجود در متن اصلی نیست، هدف ترجمه یافتن اصطلاحی در فرهنگ زبان مقصد است که معنی یا مفهومی معادل و یا مشابه معنی متن اصلی را داشته باشد. و اگر تلاش برای «معادل‌یابی» و یا حتی «مشابه‌یابی» به نتیجه‌ای مطلوب نرسد، یعنی در زبان مقصد معادلی یا مشابهی برای اصطلاح متن اصلی پیدا نشود، آن وقت مسئله «معادل‌سازی» مطرح می‌شود، به این معنی که مترجم تلاش می‌کند معادلی را در زبان مقصد بسازد که البته چنین معادلی چون برای اولین بار وارد زبان و فرهنگ مقصد می‌شود حتی اگر درست و دقیق هم باشد سالها طول می‌کشد تا در میان مردم رایج گردد و در صورت داشتن سلاست زبانی و سازگاری فرهنگی به عنوان یک اصطلاح فرهنگی مورد قبول واقع شود و در فرهنگ مردم جا بیفتد.

ترجمه و تطبیق مفاهیم فرهنگی و دینی

نایدا و تیبیر (۱۹۶۹: ۱۳۴) معتقدند آنچه در ترجمه کتاب مقدس برای یک مترجم مجاز می‌باشد ترجمه زبانشناختی است و نه جرح و تعدیل فرهنگی. از دیدگان آنان، جرح و تعدیل فرهنگی (cultural adaptation) کار رهبران روحانی و معلمان دینی است و نه کار مترجمان. البته در اینجا باید یادآور شد که فرق است بین توضیح زبانشناختی و تفسیر دینی یا عبادی. اولی کار مترجم زبانشناس و دومی کار عالم دین‌شناس می‌باشد. مترجم می‌تواند در موارد لازم مطلبی را در قلمرو زبانشناسی به صورت ترجمه توضیحی به زبان مقصد منتقل کند تا مطلب مزبور از وضوح کافی برخوردار باشد و از این طریق جلوی

هرگونه ابهام و اشتباه فهمی گرفته شود. اما تطبیق مفاهیم فرهنگی یک دین با مفاهیم فرهنگی دین دیگر یا فرهنگ دیگر کاری است فراتر از قلمرو ترجمه زبانشناختی، و لذا خارج از حیطه کار مترجم زبانشناس می باشد. اینجاست که باید گفت در کار ترجمه متون دینی علاوه بر علم زبان تبحر در علم دین نیز لازم است تا مترجم بتواند ضمن ترجمه زبانشناختی در موارد لازم معادلهای مناسبی برای اصطلاحات فرهنگی نیز در ترجمه خود ارائه دهد. این کار در صورتیکه مترجم هم تخصص در زبان (مبداء و مقصد) و هم تبحر در دین را داشته باشد می تواند از طریق معادل یابی و یا معادل سازی صورت پذیرد. از این بحث می توان به این نتیجه رسید همان طور که مترجم شعر باید شعرشناس و ترجیحاً شاعر هم باشد مترجم متون دینی هم باید دین شناس و ترجیحاً عامل به دین نیز باشد. بنابراین، ترجمه زبانشناختی متون دینی و تطبیق اصطلاحات فرهنگی آن با اصطلاحات موجود در فرهنگ زبان مقصد کار مترجمی است که هم زبانشناس باشد و هم دین شناس. در عین حال، توضیح زبانشناختی و تفسیر دینی دو مقوله متفاوتند که در دو حوزه جداگانه قرار می گیرند، اولی موضوعی در قلمرو مطالعات ترجمه و دومی بحثی در علم تفسیر می باشد.

وقتی بین اصطلاحات فرهنگی متن اصلی و مترادفهای موجود در زبان و فرهنگ مقصد تفاوتی دیده شود آنطور که امکان ابهام و اشتباه در فهم وجود داشته باشد ممکن است لازم باشد مترجم با افزایش مؤلفه های واژگانی ترجمه ای توضیحی ارائه دهد و با محدود کردن معنی به مورد خاص مورد نظر در متن اصلی از هرگونه اشتباه فهمی جلوگیری کند. این کار می تواند نوعی تعدیل، تطبیق، و یا معادل سازی تلقی شود که در قلمرو کار ترجمه قرار دارد. به عنوان مثال، ترجمه «عرش» به «the throne»

of God» و «سجده» به «Prostration (on the ground)» را در مثالهای

زیر ببینید:

۱- خنک روز محشر تن دادگر که در سایهٔ عرش دارد مقرر (بوستان سعدی)

The body of the justice-giver is happy on the day of the place of assembling (resurrection) ;

Because, he has an abiding place in the shadow of the throne of God (ترجمهٔ کلارک Clarke)

۲- از آن سجده بر آدمی سخت نیست که در صلب او مهره یک لخت نیست

(بوستان سعدی)

Prostration (on the ground) is not difficult for a man , on that account,

That , the joint in his back-bone is not of one piece.

(ترجمهٔ کلارک Clarke)

ترجمهٔ توضیحی «عرش» و «سجده» در این دو مثال برای این است که معنی

آنها با افزایش مؤلفه‌های واژگانی در معادل انگلیسی محدود به معنی خاص مورد نظر در

متن اصلی می‌شود و این نوعی تعدیل و تطبیق معنایی در حوزهٔ ترجمه است ، به این

معنی که مترجم سعی کرده است برای این اصطلاحات فرهنگ اسلامی به آن معنی که

در اشعار فارسی سعدی آمده‌اند در زبان انگلیسی معادل‌سازی کند . اما اینکه این

اصطلاحات از نظر دینی و عبادی معادلی در فرهنگ دینی زبان مقصد دارند یا نه خود

بحثی دیگر است . به عبارت دیگر ، تفسیر دینی معنی «عرش» و تطبیق آن با مفهوم

معادل (در صورت موجود بودن) در فرهنگ دینی زبان مقصد ، و نیز تفسیر معنی عمل

عبادی « سجده » در فرهنگ اسلامی و مطابقت دادن آن با یک عمل عبادی مشابه (در صورت موجود بودن) در فرهنگ مقصد کاری فراتر از حد ترجمه زبانشناختی است و موضوعی است که بیشتر در حوزه تطبیق فرهنگی یا فرهنگ تطبیقی ادیان باید مورد بحث قرار گیرد.

یادآوری این نکته نیز لازم است که در تعدیل معنایی در حوزه ترجمه میزان افزایش مؤلفه‌های واژگانی در معادل‌سازی فقط در حد بیان معنی ضمنی موجود در متن اصلی مجاز است. هر چند که تعدیل معنایی در ترجمه کاری «مقصدمدار» (target-oriented) می‌باشد و مترجم برای قابل فهم بودن معنی در زبان مقصد اقدام به این کار می‌کند اما مترجم باید وفاداری به معنی متن اصلی را از یاد نبرد و هیچ نکته‌ای یا مطلبی را که از متن اصلی مفهوم یا مستفاد نیست به ترجمه اضافه نکند. این موضوع در ترجمه متون دینی که « مبداء مداری» (source-orientedness) در آن از نظر معنی و سبک ضروری می‌باشد از اهمیت بسزائی برخوردار است.

تأکید بر ترجمه زبانشناختی متون دینی با توجه به معنی و سبک دلیل عمده‌اش این است که مترجم آنچه در متن هست آنرا با دقت تمام و بدون هیچگونه افزایش و کاهش مفاهیم ترجمه کند تا پیام دینی بدون تغییر و تحریف به زبان مقصد منتقل شود. متون دینی در یک جامعه نمایانگر آداب و رسوم دینی و فرهنگی آن جامعه به حساب می‌آید. بنابراین، هرگونه بی‌دقتی و تحریف در ترجمه آنها می‌تواند تحریف مفاهیم دینی و فرهنگی را به دنبال داشته باشد. « اگر یک متن نشانگر ارزشهای اساسی یک فرهنگ است و به عنوان متن محور در آن فرهنگ ایفای نقش می‌کند هر ترجمه‌ای از آن باید با نهایت دقت انجام گیرد زیرا ترجمه‌های « غیر قابل قبول » به راحتی می‌توانند در انهدام پایه‌های خود آن فرهنگ مؤثر واقع شوند » (آندره لفویر A.Lefevre, ۱۹۹۲: ۷۰).

نکته دیگر اینکه، از دیدگاه بیکن و کالو (Beekman and Callow

۱۹۷۴/۱۹۸۹: ۴۸) بسیاری از مفاهیم و معانی ضمنی کتاب مقدس (تورات و انجیل) در صورت و ساختارهای زبانشناختی زبان اصلی، یعنی در واژگان و ساختارهای دستوری آن، پیدا می‌شوند، و لذا هر مترجمی باید این اطلاعات ضمنی را خوب بشناسد تا هر کجا که لازم و آن طور که مناسب باشد آنها را با تعدیل معنایی و ترجمه توضیحی بیان نماید. این دو نویسنده به دو نوع معنی یا مفهوم ضمنی در کتاب مقدس اشاره می‌کنند: نوع اول همان معنی یا مفهومی است که در خود متن، یعنی در نوع واژگان، ترتیب قرار گرفتن آنها در کنار هم، و در ساختارهای دستوری جملات نهفته است، اما نوع دوم اطلاعاتی است که در خارج از متن قرار دارد، یعنی در آن موقعیت کلی که باعث ایجاد آن متن شده، در شرایطی که نویسنده متن و خوانندگان آن داشته‌اند، در رابطه بین آنان، و در اوضاع و احوال دیگر. بر این اساس، مترجم نه تنها باید به هنگام لزوم برای بیان مفاهیم ضمنی موجود در متن اقدام کند و ترجمه زبانشناختی توضیحی انجام دهد بلکه ممکن است گاهی لازم باشد درباره اطلاعات ضمنی خارج از متن که غالباً در ارتباط با فرهنگ دینی و قومی مردم می‌باشد توضیحی بدهد. بیکن و کالو (همانجا: ۵۷) به این نکته نیز اشاره می‌کنند که ترجمه توضیحی یا تفسیری توأم با وفاداری به متن اصلی کاری بس مشکل است زیرا مترجم دائماً باید تصمیم‌گیری و انتخاب کند، انتخاب بین گزینه‌های مختلف و کاربرد اصول متفاوت. این مشکل بیشتر وقتی آشکار می‌شود که مترجم باید تصمیم بگیرد توضیح و تفسیر کدام مفهوم ضمنی مجاز است زیرا چنین توضیح و تفسیر نه بیش از حد کم باید باشد که ابهاماتی در ترجمه باقی بماند و خواننده را به اشتباه و برداشتهای غلط بکشاند، و نه آن قدر هم زیاد باید باشد که ترجمه به تفسیر تبدیل شود. در جهت حل این مشکل، یعنی در پاسخ به این سؤال که در ترجمه متون دینی چه نوع

مفهوم ضمنی و تا چه حد باید توضیح داده شود می‌توان گفت هر مفهوم ضمنی که آشکارا بیان می‌شود باید در حد وفاداری به متن اصلی، در جهت توضیح مطلب و رفع ابهام، و به منظور طبیعی کردن زبان ترجمه و مطابقت دادن آن با زبان مورد استفاده خوانندگان باشد.

جرح و تعدیل در ترجمه

باستین (J.L. Bastin ، بیکر ، ۱۹۹۸ : ۵) در مورد مفهوم «جرح و تعدیل»

می‌نویسد:

جرح و تعدیل را می‌توان به یک سری از عملیات در ترجمه اطلاق کرد که نتیجه‌اش گرچه به عنوان یک ترجمه مورد قبول نیست اما به هر حال بیانی از یک متن اصلی تقریباً هم‌اندازه خود است . لذا این اصطلاح می‌تواند مفاهیم مبهمی مانند بدل‌سازی، بازنویسی، و غیره را در بر گیرد . اگر دقیق صحبت کنیم، مفهوم جرح و تعدیل حاکی از این است که ترجمه غیر از جرح و تعدیل است، یعنی حالت نسبتاً محدودتر و معین‌تری از انتقال معنی می‌باشد.

از این سخن می‌توان چنین استنباط کرد که در کار ترجمه مترجم آزاد نیست متن اصلی را به هر صورتی که می‌خواهد در زبان مقصد درآورد، بلکه مجبور است پیام متن اصلی را در نزدیکترین سبک و صورت طبیعی زبان مقصد ارائه دهد تا تغییر و تحریفی در آن ایجاد نشود و معنی با صراحت و دقت هرچه تمامتر به خواننده منتقل گردد. به عبارت دیگر، در ترجمه، چارچوب کار و محدوده اختیارات مترجم محدود به انتقال پیام با توجه به سبک و ساختار متن اصلی می‌باشد و مترجم مجاز نیست سبک متن اصلی را نادیده بگیرد، بویژه در ترجمه متونی که سبک در آنها از اهمیت بسزایی

برخوردار است. اما در جرح و تعدیل، همان طور که از کلمات تشکیل دهنده این اصطلاح پیداست، مترجم توجه چندانی به سبک متن اصلی یعنی به نحوه چینش واژگان و ساختار جمله ندارد و خود را مقید به یافتن معادل دقیق متن اصلی در زبان مقصد نمی‌کند، بلکه با انجام جرح و تعدیلهائی بیانی را از متن اصلی در زبان مقصد ارائه می‌دهد و معمولاً هدفش این است که این بیان حالت و سبک طبیعی داشته و برای خوانندگان قابل فهم باشد.

میشل جونز (M. Jones, ۱۹۹۷) در بحث از ترجمه شعر، آن را به چهار سطح متفاوت تقسیم می‌کند که در هر سطح میزان وفاداری مترجم نسبت به متن اصلی با سطوح دیگر متفاوت است و این وفاداری هم مربوط به پایبندی مترجم نسبت به معنی و سبک و ساختار متن اصلی می‌باشد. در این چهار سطح یا چهار نوع ترجمه که به ترتیب در زیر توضیح داده می‌شوند پایبندی مترجم به معنی و سبک متن اصلی در ترجمه نوع اول در بالاترین حد و در ترجمه نوع آخر در پائین‌ترین حد قرار دارد:

۱- ترجمه تحت‌اللفظی یا کلمه به کلمه: در این نوع ترجمه شعر، مترجم سعی می‌کند پایبندی خود را هم به معنی و هم به ساختار شعر در ترجمه حفظ کند و تا آنجا که ممکن است تمام جنبه‌های معنایی و سبکی شعر اصلی مانند وزن و قافیه و غیره را در ترجمه منعکس نماید که البته چنین کاری تقریباً غیرممکن است زیرا انتقال تمام ویژگیهای شعر از یک زبان به زبان دیگر امکان‌پذیر نیست، و لذا به اعتقاد اغلب صاحب‌نظران در هر ترجمه‌ای، به ویژه در ترجمه شعر و متون دینی که سبک متن اصلی در آنها از اهمیت خاصی برخوردار است، همیشه چیزی از معنی و سبک از دست می‌رود و وظیفه مترجم در حقیقت به حداقل رساندن آن چیزی است که از دست می‌رود.

۲- تقریب یا شبیه سازی (approximation): در این نوع ترجمه مترجم به برخی از عناصر متن اصلی وفادار است اما خود را مقید به انتقال تمام ویژگیهای متن اصلی به زبان مقصد نمی‌داند و لذا در مواردی عناصری را آزادانه ترجمه می‌کند تا بتواند یک ترجمه واضح و قابل فهم و خالی از ابهام در زبان مقصد ارائه دهد اما هدف کلی این است که ترجمه شباهت زیادی به متن اصلی داشته باشد.

۳- تطبیق یا جرح و تعدیل (adaptation): تلاش مترجم در این نوع ترجمه این است که آنچه به عنوان ترجمه عرضه می‌کند کلاً با معیارها و موازین طبیعی زبان مقصد مطابقت داشته باشد و لذا برای رسیدن به هدف جرح و تعدیل‌های زیادی را در ترجمه انجام می‌دهد، و این جرح و تعدیل‌ها گاهی آن قدر زیاد است که از دیدگاه برخی از محققین متن ارائه شده را دیگر نمی‌توان ترجمه نامید بلکه، همانطور که قبلاً از قول باستین گفتیم، باید آن را بیان دیگری از یک متن اصلی تقریباً هم اندازه خود دانست. هر چند این بیان در مواردی ممکن است انعکاسی از متن اصلی را نشان دهد اما به طور کلی هم از نظر معنی و هم از نظر سبک تا اندازه‌ای با متن اصلی فاصله دارد و لذا شباهت زیاد و نزدیکی چندانی بین دو متن دیده نمی‌شود.

۴- تقلید یا بدل‌سازی (imitation): در ترجمه شعر، تقلید یا بدل‌سازی در حقیقت ساختن شعری جدید بر اساس شعر اصلی می‌باشد به نحوی که موضوع و زمینه معنایی شعر اصلی در شعر جدید حفظ شده باشد. تنها ارتباطی که در تقلید بین متن اصلی و متن جدید وجود دارد ارتباط موضوعی است، به این معنی که مقلد یا بدل ساز متن جدیدی را با موضوع متن اصلی می‌سازد آن طور که این دو متن از نظر موضوع به هم شبیه‌اند ولی از نظر سبک و ساختار تفاوت زیادی با هم دارند، البته در اینجا مشابهت موضوعی یا ارتباط

موضوعی هم به معنی تعادل معنایی نیست زیرا متن جدید در حقیقت بدلی از متن اصلی است و نه معادل دقیق آن .

داگلاس رابینسون (D.Robinson، بیکر، ۱۹۹۸: ۱۱۱) در مورد اصطلاح تقلید یا بدل سازی در ترجمه معتقد است این اصطلاح به معنی ارائه متنی کاملاً متفاوت از کار مؤلف اصلی است آن طور که متن جدید از نظر واژگان و معنی فاصله زیادی با متن زبان مبدا دارد. تقلید را در واقع می توان معادل «ترجمه آزاد» دانست. رابینسون می افزاید واژه تقلید ترجمه لاتین قدیمی از واژه یونانی *mimesis* است که در نظریه ادبی از افلاطون و ارسطو به بعد برای توصیف تقلید نویسنده از واقعیت به کار می رفته است. در حوزه تعلیم و تربیت، این اصطلاح برای تمرینات بازنگری به کار می رفته که در آن به دانشجویان آموخته می شد تا از طریق بازنویسی یا بازگویی متون کلاسیک به تمرین نوشتن یا ارائه خطا به پردازند. آنان در این تمرین، تغییرات عمده ای را در متون اصلی ایجاد می کردند و از واژه های جدیدی برای بیان همان مطلب استفاده می نمودند. کاربرد اصطلاح «تقلید» به معنی «ترجمه آزاد» به طور وسیعی در مقدمه جان درایدن (J.Dryden) بر ترجمه اش از «رسائل اُوید» جا افتاده است. در اینجا ترجمه را به سه نوع تقسیم می کند: ۱- ترجمه کلمه به کلمه یا سطر به سطر (*metaphrase*) که مشابه ترجمه تحت اللفظی است. ۲- ترجمه مفهوم به مفهوم یا مفاد به مفاد (*Paraphrase*): جر می ماندی (J.Munday، ۲۰۰۱: ۲۵) در توضیح این نوع ترجمه از دیدگاه درایدن می نویسد: «ترجمه ای توأم با آزادی در تفسیر و تعبیر است، آن طور که مترجم در جریان ترجمه نسبت به مفاهیم متن اصلی وفادار می ماند اما توجه چندانی به واژگان آن ندارد، یعنی به آن اندازه که در انتقال مفاهیم کلی دقت می کند در ترجمه معنی تک تک واژه ها تلاش نمی کند. در این نوع ترجمه، عبارات به

کلی تغییر می‌یابند و لذا کم و بیش ترجمه مفهوم به مفهوم است.» ۳- تقلید یا بدل‌سازی (imitation) از دیدگاه درآیدن، بنا به نوشته ماندی، دست کشیدن مترجم از پایبندی به واژگان و معنی متن اصلی است و این همان ترجمه بسیار آزاد است که در آن متن جدید هم از نظر معنی و هم از نظر ساختار با متن اصلی تفاوت‌هایی دارد هر چند که از نظر موضوع و مطلب مشابهت‌هایی با هم دارند، و این ترجمه بسیار آزاد در واقع تا اندازه‌ای شبیه جرح و تعدیل است.

براساس آنچه جرج باستین (همانجا: ۵-۶) می‌نویسد، دوران طلائی جرح و تعدیل در ترجمه در قرن‌های هفدهم و هجدهم بوده که در فرانسه شروع شد و به نقاط دیگر جهان گسترش یافت. در این دوران ترجمه‌های بسیار آزادی ارائه شدند با این توجیه که جرح و تعدیل متون خارجی با توجه به رغبت‌ها و تمایلات موجود در فرهنگ مقصد مورد نیاز بوده است و لذا با توجیه چنین نیازی صدمات و تحریفاتی که در مورد متون اصلی اعمال می‌شد مورد غفلت قرار گرفت. گرچه قرن نوزدهم شاهد نوعی عکس‌العمل به این «خیانت» بود اما جرح و تعدیل‌ها هنوز در صحنه‌های تئاتر همچنان رواج داشتند. در قرن بیستم، رشد سریع امکانات فنی، علمی، و تجاری باعث شد به شفافیت در ترجمه اهمیت داده شود و پیام‌رسانی مؤثر و مفید مورد تأکید قرار گیرد، و همین امر دلیلی شد برای مجاز دانستن نوعی جرح و تعدیل که در آن متنی را برای خوانندگان جدید بازنویسی می‌کنند. باستین در ادامه می‌افزاید به طور کلی مورخین و صاحب‌نظران ترجمه در مورد جرح و تعدیل نظر منفی دارند و چنین کاری را به خاطر منجر شدن آن به تحریف یا مشتبه‌سازی کاری مردود می‌شناسند، اما واقعیت این است که به ندرت می‌توان تعریف‌های روشنی از این اصطلاح را پیدا کرد که این مفهوم مورد مناقشه را مطرح کرده باشند.

از جمله تعریف‌هایی که جرج باستین در مقاله خود برای جرح و تعدیل آورده تعریف ارائه شده از جانب وینی و داربلنت (Vinay and Darbelnet, ۱۹۵۸) است که معروفترین تعریف بوده و هفتمین روش ترجمه از دیدگاه آنان می‌باشد: جرح و تعدیل روشی برای ترجمه است. این روش وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مفهوم مورد اشاره در متن اصلی در فرهنگ زبان مقصد وجود نداشته باشد و این مسئله باعث ضروری شدن نوعی بازسازی در متن گردد. در این تعریف که به طور وسیع مورد قبول واقع شده، جرح و تعدیل یک روش ترجمه است که برای دستیابی به تعادل در موارد عدم تطابق فرهنگی به کار گرفته می‌شود. جرح و تعدیل، همانطور که باستین (همانجا: ۶) اشاره می‌کند، گاهی به عنوان روش ترجمه برای ترجمه نوع خاصی از متون، مانند داستانهای نمایشی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، بیشترین بحث در مورد جرح و تعدیل در همین زمینه یعنی در ترجمه نمایشنامه‌ها و داستانهای نمایشی صورت گرفته است. بریست (Brisset, ۱۹۸۶: ۱۰) جرح و تعدیل را نوعی «محلّی کردن» متن اصلی و «افزایش» در ترجمه می‌داند که به خاطر مخاطبان نسخه جدید صورت می‌گیرد. سانتویو (Santoyo, ۱۹۸۹: ۱۰۴) نیز جرح و تعدیل را «طبیعی کردن» نمایشنامه برای محیط جدید می‌داند و هدف آن این است که متن جدید در مخاطبان خود از فرهنگی متفاوت همان اثری را داشته باشد که متن اصلی در مخاطبان خود داشته است (باستین، همانجا).

از جمله موارد کاربرد جرح و تعدیل آگهی‌های تبلیغاتی و عنوان گذارهای فرعی هستند. در این گونه موارد حفظ ماهیت و نقش متن اصلی بر حفظ صورت و حتی معنی متن ترجیح داده می‌شود، به ویژه آنجا که عوامل سمعی و بصری هم در کار باشند. در انواع دیگر متن مانند ادبیات کودکان کاربرد جرح و تعدیل به این دلیل است که نیازهای اجتماعی و زبانی نوع متفاوتی از خوانندگان که همان کودکان هستند ایجاب می‌کند تا در

پیام مورد نظر نوعی بازسازی صورت بگیرد (پورتینن Puurtinen, ۱۹۹۵). شکل‌های مختلف جرح و تعدیل که در این گونه موارد به کار می‌روند عبارتند از تلخیص، تفسیر و تعبیر، و حذف (همانجا).

کاتارینارایس (K.Reiss) ارزیابی یک ترجمه تنها براساس زبان مقصد را کافی نمی‌داند و معتقد است ارزیابی جامع یک ترجمه بدون مقابله آن با متن اصلی امکان‌پذیر نیست، زیرا یکی از مهمترین اصولی که هر مترجم باید پایبند به آن باشد وفاداری نسبت به متن اصلی است. تعیین میزان این وفاداری تنها وقتی میسر است که ترجمه با متن اصلی مقابله شود تا معلوم گردد هدف نویسنده تا چه حد از جانب مترجم فهمیده شده و تا چه میزان و به چه صورتی به ترجمه منتقل گردیده است. آنچه از دیدگاه رایس در ارزیابی یک ترجمه مهم و شایان توجه می‌باشد نوع متن اصلی است، به این معنی که یک ارزیاب قبل از ارزیابی یک ترجمه باید نوع متن اصلی را بشناسد زیرا میزان پایبندی مترجم به صورت و معنی زبانشناختی متن اصلی بستگی به نوع متن و هدف نویسنده دارد. علاوه بر تأثیر نوع متن، هدف نویسنده و عناصر زبانشناختی، عوامل غیر زبانشناختی نیز در روش ترجمه و کیفیت آن تأثیر دارند و لذا شناخت همه این مسائل و عوامل قبل از شروع به ارزیابی یک ترجمه لازم و ضروری می‌باشد: «در ارزیابی واقعی و مناسب یک ترجمه بررسی ویژگیهای هر نوع متن، عناصر زبانشناختی و عوامل غیر زبانشناختی که در شکل و صورت زبانشناختی متن اصلی مؤثر بوده‌اند ضروری می‌باشد» (ترجمه انگلیسی رودز از کتاب رایس، ۲۰۰۰: ۱۶).

بنابراین انتخاب روش مناسب برای ترجمه یک متن ارتباط مستقیم با نوع متن، هدف آن و عناصر و عوامل زبانشناختی و غیر زبانشناختی موجود در آن دارد. مثلاً برای ترجمه متون «صورت محور» که در آنها زیبایی صوری و سبک و ساختار ظاهری از

اهمیت خاصی برخوردار است انتخاب روش جرح و تعدیل انتخاب خوبی نیست زیرا در این روش لطمه زیادی به زیبایی ظاهری متن می‌رسد و انعکاسی از آن در ترجمه ایجاد نمی‌شود. در حالیکه در ترجمه متون تبلیغاتی روش جرح و تعدیل می‌تواند بهترین روش باشد زیرا هدف در این نوع متون ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبین نسبت به مسئله یا مسائل خاص است و مترجم برای رسیدن به این هدف معمولاً جرح و تعدیل زیادی را انجام می‌دهد تا بتواند به هر نحو ممکن در ذهن مخاطب تأثیر گذارد و او را در مسیر معینی برای رسیدن به هدف مورد نظر نویسنده سوق دهد. لذا جرح و تعدیل در ترجمه آگهی‌ها و متون تبلیغاتی از متداولترین روشهاست و در این موارد پایبندی مترجم به صورت متن اصلی و حتی معنی تک‌تک واژه‌ها از اهمیت چندانی برخوردار نیست، آنچه مهم است رسیدن به آن هدفی است که توسط نویسنده برای متن اصلی در نظر گرفته شده است، و رسیدن به این هدف در ترجمه چنین متونی در اغلب موارد جز با جرح و تعدیل میسر نخواهد بود.

طبق نوشته باستین تعریفهای ارائه شده از جرح و تعدیل نظرات مختلفی را در مورد میزان وفاداری یا پایبندی مترجم نسبت به متن اصلی نشان می‌دهند. برخی استدلال می‌کنند جرح و تعدیل در مواردی ضروری است تا بتوان پیام مورد نظر در متن اصلی را بدون ابهام و تحریف (حداقل به صورت اجمالی) در ترجمه حفظ کرد، در حالیکه بعضی دیگر براین عقیده‌اند که جرح و تعدیل خیانت به صاحب متن اصلی است. در مورد اول استدلال این است که امتناع از جرح و تعدیل باعث می‌شود خواننده در یک دنیای مصنوعی « بیگانگی » یا بی‌تناسبی و ساختگی در ترجمه محبوس شود، و در مورد دوم نظر این است که جرح و تعدیل در حکم نابود کردن متن اصلی و بی‌حرمتی به ساحت آن است. حتی آنان که جرح و تعدیل را در موارد خاصی مجاز می‌شناسند مجبورند

پذیرند که اگر وفادار ماندن به متن اصلی از ضروریات ترجمه است باید گفت جرح و تعدیل به جایی می‌رسد که دیگر به هیچ وجه ترجمه نیست (باستین، ویراسته بیکر، ۱۹۹۸: ۶).

برخی از دانشمندان ترجیح می‌دهند به طور کلی از کاربرد اصطلاح جرح و تعدیل اجتناب کنند با این اعتقاد که مفهوم ترجمه مادامیکه نقش اصلی خود را حفظ کرده باشد می‌تواند تمام انواع ترجمه را در برگیرد، اما برخی دیگر ترجمه و جرح و تعدیل را اساساً دو مقوله متفاوت از هم می‌دانند. با وجود این، تعداد بسیار اندکی از دانشمندان که به بررسی تحلیلی مسئله جرح و تعدیل و رابطه آن با ترجمه اقدام کرده‌اند در مورد ماهیت دقیق مرز بین این دو مقوله آشکارا اظهار نظر کرده‌اند. بحث پیرامون اختلاف فرضی بین جرح و تعدیل و ترجمه اغلب با مسائل عقیدتی تشدید می‌شود. این مسئله وقتی روشن می‌شود که ما بحث‌های داغ در مورد نحوه ترجمه کتاب مقدس (تورات و انجیل) را از همان آغاز که ترجمه‌های اولیه ارائه شدند بررسی کنیم. از طرف دیگر، اغلب گفته می‌شود ترجمه خوب آن است که نه مانند یک ترجمه بلکه همانند یک متن اصلی به نظر برسد، و این بدان معنی است که مترجم برای ارائه یک کار اصل گونه و طبیعی در زبان هدف باید با انجام جرح و تعدیل تصرفاتی در متن اصلی بکند تا بتواند کاری عرضه کند که در زبان مقصد همانند یک کار اصیل پذیرفته می‌شود. بررسی مسئله جرح و تعدیل صاحب‌نظران ترجمه را بر این واداشته است که به فراتر از مسائل صرفاً زبانشناختی هم توجه کنند و همین امر کمک می‌کند تا نقش مترجم به عنوان میانجی و عاملی مبتکر در فرایند یک ارتباط کلامی روشن گردد. اینجاست که «تناسب» (relevance) به جای «درستی» یا «دقت» (accuracy) واژه کلیدی می‌شود و این خود مستلزم بررسی دقیق سه مفهوم اساسی در نظریه ترجمه است: معنی، مقصود یا نقش، نیت. می‌توان گفت که

قلمرو ترجمه تا سرحد معنی است، جرح و تعدیل به دنبال انتقال مقصود یا نقش متن اصلی است، و تفسیر و تعبیر هدفش روشن کردن نیت نویسنده است. (همانجا: ۸).

اختلافات اجتماعی و فرهنگی

از جمله مسائلی که باعث می‌شود مترجم از حد ترجمه پافرازر نهد و به جرح و تعدیل روی آورد اختلافات اجتماعی و فرهنگی در قلمروهای دو زبان مبداء و مقصد است. در این مورد می‌توان به ترجمه‌نمایشنامه‌هایی اشاره کرد که در آنها مسائل اجتماعی و عادات و رسوم یک فرهنگ خاص مطرح شده است. برخی از این مسائل ممکن است در فرهنگ زبان مقصد یا وجود نداشته باشد و یا به شکل متفاوت از آنچه در فرهنگ زبان مبداء است باشد. اینجاست که مترجم برای معادل‌یابی یا معادل‌سازی به جرح و تعدیل روی می‌آورد تا بتواند مقصود مورد نظر در متن اصلی را به مخاطبان فرهنگ دیگر بفهماند. گونیلا آندرمان (G. Anderman, بیکر، ۱۹۹۸: ۷۳) معتقد است نمایشنامه‌هایی که از زبان‌های کمتر شناخته شده به زبان انگلیسی منتقل و در کشورهای انگلیسی‌زبان اجرا می‌شوند اغلب نیاز بیشتر به جرح و تعدیل دارند زیرا مخاطبان انگلیسی‌زبان آشنائی چندانی با فرهنگها و رسومات اجتماعی این‌گونه زبانها ندارند.

اختلاف در ساختارهای صوری و دستوری دو زبان امری عادی و طبیعی است و لذا چنین اختلافی مشکلات زیادی برای مترجم ایجاد نمی‌کند هرچند که اختلاف هرچه کم باشد مشکلات کمتر خواهد بود. اما همانطور که یوجین نایدا (E. Nida, ۱۹۶۴: ۱۶۱) می‌نویسد، «در واقع اختلافات بین فرهنگها هستند که مشکلات جدی‌تر و زیادتری را برای مترجم ایجاد می‌کنند.» نایدا در مورد ترجمه شعر معتقد است اگر زبان متن اصلی اصطلاحاتی را بر دارد که ترجمه مستقیم آنها بسیار مشکل است و یا عباراتی

دارد که در زبان مقصد کاملاً بیگانه و نامفهومند، بهتر است مترجم به ترجمه معنی و مفهوم شعر روی آورد و آنرا در زبانی ارائه دهد که آزاد از پیچیدگی در سخن و بری از ابهام در صورت باشد. وی چنین ترجمه‌ای را « ترجمه از فرهنگ به فرهنگ » می‌نامد.

نتیجه‌گیری

از مجموع بحث‌های به عمل آمده در این مقاله می‌توان چنین نتیجه گرفت که در ترجمه زبانشناختی ترجمه تمام عناصر زبانشناختی متن اصلی مورد توجه است و مترجم سعی می‌کند سبک متن اصلی را تا آنجا که به معنی لطمه‌ای نمی‌زند در زبان مقصد حفظ کند. به عبارت دیگر، در این نوع ترجمه معنی و سبک هر دو مهم تلقی می‌شوند هر چند که معنی بر سبک اولویت دارد و اگر در مواردی لازم باشد که از یکی از این دو صرف‌نظر شود این سبک است که باید به خاطر حفظ معنی مورد چشم پوشی قرار گیرد. البته آنچه مطلوب است رساندن معنی در سبکی است که در زبان مقصد معمول و متداول است و نزدیکترین به سبک متن اصلی می‌باشد. کاربرد ترجمه زبانشناختی بیشتر در ترجمه متونی است که سبک در آنها نقش مهمی را در رساندن معنی مورد نظر ایفا می‌کند، و لذا نادیده گرفتن سبک ممکن است معنی نیز تحریف شود و به طور دقیق به زبان مقصد منتقل نگردد. متون مقدس دینی و برخی از گونه‌های ادبی مانند شعر متونی هستند که سبک در آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

ترجمه فرهنگی در مقابل ترجمه زبانشناختی قرار دارد، به این معنی که در ترجمه فرهنگی یافتن معادل فرهنگی مورد نظر است و نه معادل برای تک‌تک عناصر زبانشناختی، و چون در این نوع ترجمه معمولاً جرح و تعدیل‌های زیادی صورت می‌گیرد لذا برای ترجمه متون مقدس دینی مناسب نیست هر چند در این متون نیز برای

اصطلاحات فرهنگی باید معادل یابی و یا معادل سازی بشود. نایدا و تمبر که از نظریه پردازان معروف ترجمه کتاب مقدس (تورات و انجیل) هستند ترجمه فرهنگی را روش خوبی برای ترجمه کتاب مقدس نمی دانند، آنان معتقدند توجه به عناصر زبانشناختی در ترجمه این متون ضروری است و لذا ترجمه زبانشناختی روش بهتری در این زمینه است. البته این به معنی وفاداری صوری به متن اصلی و ارائه متنی سرهم بندی شده به عنوان ترجمه نیست، زیرا در ترجمه زبانشناختی رساندن معنی در نزدیکترین سبک طبیعی در زبان مقصد مورد نظر است هر چند برخی معتقدند ترجمه زبانشناختی گاهی ممکن است به علت نزدیکی زیاد به سبک و صورت متن اصلی ابهام انگیز و گمراه کننده باشد.

در مورد جرح و تعدیل و حد مجاز آن نیز نظرات متفاوتی ارائه شده است. برخی معتقدند جرح و تعدیل تا حدی مجاز و گاهی لازم است تا بتوان متنی طبیعی و «اصل گونه» در زبان مقصد ارائه کرد زیرا عدم تعدیل ممکن است نتیجه اش متنی غیرطبیعی و «ترجمه گونه» باشد. برخی دیگر بر این عقیده اند که جرح و تعدیل ترجمه بسیار آزاد است و نشانگر عدم وفاداری مترجم نسبت به متن اصلی می باشد و لذا در مواردی می تواند «خیانت» به صاحب متن اصلی و بی حرمتی به ساحت خود متن تلقی شود. اما آنچه در این میان درست به نظر می رسد این است که تعدیل در حد پیروی از موازین و معیارهای زبانشناختی زبان مقصد به منظور ارائه بهترین معادل طبیعی، پویا، و قابل فهم نه تنها مجاز بلکه لازم و ضروری می باشد تا از ابهام و سرهم بندی در ترجمه جلوگیری گردد.

Sources

- Anderman, G., "Drama Translation" , Cited in *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, Edited by Mona Baker , London and New York , 1998.
- Bastin , J. L., "Adaptation", Cited in *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, Edited by M.Baker, 1998.
- Beekman, J. and J. Callow, *Translating the word of God*, Grand Rapids Mich : Zondervan, 1989.
- Catford, J. C., *A Linguistic Theory of Translation*, Oxford University Press, 1965.
- Clarke , H.W., *The Bustan of Sheikh Muslihudding Sa'di Shirazi* , Translated into English with Explanatory Notes and Index, Dars Publishers, London , 1985.
- Falk, J.S., *Linguistics and Language: A Survey of Basic Concepts and Implications*, John Wiley and Sons , New York 1973/1978.
- Jones, Michele H., *The Beginning Translator's Workbook*, University Press of America, 1997 .
- Lefevere, A. (ed) , *Translation / History / Culture* ,Routledge , London , 1992 .
- Moosavi, M., *A Versified Dictionary of Farsi Proverbs and their English Equivalents*, Computer World Co., Tehram, 1379.
- Munday, J., *Introducing Translation Studies*, Routledge, London and New York , 2001.

Nida, E.A., *Toward a Science of Translating*, Leiden : E.J.Brill, 1964.

Nida, E.A., and C.R.Taber, *The Theory and Practice of Translation*, Leiden : E.J.Brill , 1969.

Reiss, K., *Translation Criticism – The Potentials and Limitations*, Translated into English by E.F. Rhodes, St. Jerome Publishing , Manchester , 2000.

Robinson , D., "Imitation", Cited in *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*, Edited by M.Baker, 1998.

Shuttleworth, M. and M.Cowie, *Dictionary of Translation Studies*, St. Jerome Publishing, Manchester, 1997.